

دیده شدن تیپ سازی و داوری

بازیگران در جشنواره فیلم فجر



احسان طهماسبی

جشنواره فیلم فجر در مقام ویرترین رسمی سینمای ایران همواره یکی از مهم ترین عرصه های دیده شدن بازیگران بوده است، اما این دیده شدن در طول دوره های مختلف جشنواره همواره به معنای دیده شدن توان بازیگری نبوده است و بیش از آنکه معطوف به تحول بازیگری باشد به تثبیت جایگاه و باز تولید الگوهای آشنا انجامیده است. مرور تاریخ فجر نشان می دهد که نسبت جشنواره با بازیگران زن میان نمایش و تیپ سازی سیری پر نوسان و گاه متناقض را طی کرده است. در سال های نخست پس از انقلاب، حضور بازیگران زن در فجر با محدودیت های ساختاری و تعریف های تازه ای از نقش و تصویر همراه بود. جشنواره در این دوره بیشتر بر امکان حضور تأکید داشت تا بر تنوع نقش آفرینی. بازیگران زن اغلب در چارچوب هایی محدود دیده می شدند و داوری ها نیز ناگزیر با همین چارچوب ها همخوانی داشتند. با گذر زمان و تثبیت زبان سینمای پس از انقلاب، نقش بازیگران زن در فیلم های جشنواره ای پررنگ تر شد. اما این پررنگ شدن اغلب به تیپ سازی های تکرار شونده انجامید: زن رنج کشیده، زن قربانی، زن اخلاق محور. داوری ها نیز به تدریج به همین تیپ ها واکنش مثبت نشان دادند و بازی هایی که از این الگوها فاصله می گرفتند کمتر مجال دیده شدن پیدا کردند. از سویی دیگر، با مرور فجر در طول ادوار مختلف، به نظر می آید که نسبت جشنواره با بازیگران مرد میان ستاره سازی و تیپ سازی مسیری کم نوسان اما محدود کننده را طی کرده است. در سال های نخست پس از انقلاب، بازیگران مرد بار اصلی روایت را بر دوش داشتند. فجر در این دوره بیش از هر چیز به دنبال تثبیت تصویر مرد قابل قبول بود: قهرمانانی اخلاق محور، کنترل شده و همسو با روایت رسمی. داوری ها نیز در امتداد همین تصویر شکل گرفتند و بازی هایی که از این چارچوب فاصله می گرفتند کمتر مجال بر جسته شدن یافتند. جشنواره در این سال ها بیشتر تثبیت کننده الگو بود تا میدان تجربه. با گسترش سینمای اجتماعی، تیپ های تازه ای از مردان وارد فجر شدند: مردان خشمگین، معترض، فرودست یا درگیر بحران های طبقاتی. اما این تنوع ظاهری به ندرت به تحول در داوری انجامید. جشنواره اغلب نسخه های تعدیل شده این تیپ ها را ترجیح داد، نقش هایی که اعتراض را تا مرز قابل تحمل پیش می بردند و از فروپاشی کامل پرهیز می کردند. در دهه های بعد، برخی بازیگران مرد به چهره های تثبیت شده فجر بدل شدند و حضور مکرر آن ها، حتی در آثار متوسط، نوعی پیش فرض داوری ایجاد کرد؛ گویی نام بازیگر پیش از خود بازی دیده می شود.



جهان رفیق هاتف

گفت و گو با مجید رستگار
کارگردان فیلم «جهان مبهم هاتف»

فهمیده پناه آذر

مجید رستگار، کارگردان فیلم «جهان مبهم هاتف» مانند دیگر فیلم اولی های امسال، بعد از ساخت چندین فیلم کوتاه و مستند تصمیم گرفته نخستین فیلم بلند خود را بسازد.

رستگار می گوید: در طول ۲۲ سال حضورم در شاخه های سینما، تصمیم گرفتم تا نخستین فیلم خود را بسازم؛ فیلمی براساس داستان واقعی ۲ رفیق. در این فیلم رضا کیانیان، کیوان ساکت اف، آرمین رحیمیان، امید روحانی، لیلا زارع و... بازی می کنند.

کجاها فیلمبرداری را انجام دادید؟

این فیلم جزو فیلم های پرلکیشن است، نیروگاه و چند دانشگاه و... برای فیلمبرداری لازم بود و با توجه به بودجه کمی که داشتیم، عملاً کار سخت بود و مجبور بودیم زمان زیادی را در ضبط داشته باشیم. باید فیلم را تا ۵۰ روز تمام می کردیم و با اینکه صحنه های اکشن هم داشتیم این تعداد روز برایمان کم بود، اما در نهایت انجام شد.

به عنوان کارگردان فیلم اولی حتماً دغدغه ها و مشکلاتی در پروسه ساخت داشتید. این مشکلات چه بود؟

همیشه برای کار اولی ها همه چیز در اختیار نیست، چراکه اعتبار لازم را هنوز به دست نیاورده و نهادهای مختلف و تهیه کنندگان سخت تر به آنها اعتماد می کنند. علاوه بر این همیشه بودجه کمتری عاید کارگردانان فیلم اولی می شود. این پروژه هم با کمتر از بودجه رایج یک فیلم ساخته شد. بودجه ای که داشتیم محدود بود، اما باز هم ممنونیم که اعتماد کردند تا فیلم ساخته شود. در پروسه تولید هم مشکلاتی وجود داشت، با توجه به برنامه ریزی ما مجبور بودیم روزانه بیشتر از دقیقه معمول ضبط داشته باشیم و این در حالی است که فیلم ها نهایتاً روزی ۲ دقیقه ضبط دارند. البته در این میان دورخوانی هایی که از قبل داشتیم به ما و بازیگران خیلی کمک کرد. موضوع دیگر لوکیشن ها و رفت و آمدهای گروه بود. نیروگاه ها، ورود لوکیشن های ما بود و با توجه به حساسیت لوکیشن ها، ورود و خروج سخت گیرانه و برای گروه زمان بر بود. زمان فیلمنامه بلند بود و مجبور بودیم در لحظه تصویربرداری بخشی از فیلمنامه را اصلاح کنیم تا به زمان تولید برسیم.

شما در این سال ها در بدنه سینما حضور داشتید. چطور شد که تصمیم به ساخت فیلم اولتان گرفتید؟

۲۲ سال است که در سینما حضور دارم، در این سال ها سعی کرده ام، پله پله رشته های سینما را فراگیرم. ابتدا تصویربرداری را شروع کردم. بعدتر به حوزه تدوین، ورود کردم. تدوین جزو علاقه مندی های بزرگ من است. در ادامه سعی کردم در بحث رنگ و صحنه ورود کنم، همچنین فیلمنامه نویسی را یاد بگیرم. مجموعه اینها کمک کرد بتوانم فیلم اولم را بسازم. به نظرم بعد از ۲۲ سال وقتش بود که نخستین فیلمم را جلوی دوربین ببرم.

جشنواره فیلم فجر می تواند فرصتی برای کارگردانان اولی ها باشد؟ این دیده شدن چه زمانی برای کارگردانان مؤثر است؟

چه بخواهیم و چه نخواهیم، فیلم فجر شاخص ترین جشنواره کشور ماست. برای کارگردانان بزرگ هم جشنواره، مکانی برای ارائه فیلمشان است، فیلم هایی که زیر دربین نگاه منتقدان قرار می گیرند و تماشاگران آن را انتخاب و دنبال می کنند و اینها همه اش ارزشی است. اینکه یک فضای ویژه برای فیلمسازان ایجاد شود. ۴۴ دوره از جشنواره گذشته و جایگاه ویژه ای میان جشنواره ها دارد و برای کار اولی ها مهم است که در این رقابت دیده شوند و مسیرشان برای کارهای بعدی هموارتر شود.

امسال سهم فیلم اولی ها در جشنواره فیلم فجر بیشتر از دوره های گذشته است. حضور و رقابت فیلمسازان جوان در این دوره از جشنواره را چطور پیش بینی می کنید؟

به نظرم حضور این تعداد فیلم اولی اتفاق خیلی خاصی است. در هیچ دوره ای این حجم فیلمسازان جوان و کار اولی در جشنواره حضور نداشته اند. چه در مرحله اول که برای ورود به جشنواره انتخاب شدند و چه در مرحله حضور در رقابت جشنواره. این نشان می دهد که خوشبختانه سطح کیفی فیلم های کارگردانان فیلم اولی توانسته به کارگردانان شناخته شده، نزدیک شود و فضای رقابتی جذابی را ایجاد کند. امیدوارم در بخش پایانی جشنواره نیز فیلمسازان جوان بتوانند سهم قابل قبولی در جوایز داشته باشند.

نام «جهان مبهم هاتف» جزو نام های خاص جشنواره امسال است. به حساب می آید. این نام وامدار چیست؟ از انتخاب اسم «جهان مبهم هاتف» بگوئید.

«جهان مبهم هاتف» همان دنیایی است که هاتف شخصیت اول فیلم درگیرش می شود و جهانی پر از فرازونشیب که در داستان واقعی پیش می رود، البته اسم «جهان» رفیق صمیمی هاتف هم هست و نام فیلم برگرفته از اسم هر ۲ دوست است که خواستیم معنایی دو وجهی داشته باشد.

پروسه نگارش فیلمنامه و تولید فیلم چقدر زمان برد؟

این فیلم تقریباً ۳ سال است که مراحل تولیدش شروع شده. امیر مهریزدان، نخستین بار ۳ سال پیش، سوژه ای را عنوان کرد. سوژه درباره زندگی ۲ جوانی بود که با هم رفیق بودند و زندگی جذاب و در عین حال سختی داشتند، ۲ از جایی زندگی خود را در سخت ترین شرایط شروع کردند و حین رفاقت سعی کردند که دنیایی که می خواهند را شکل دهند تا به آرزوهایشان برسند. این موضوع برایم جذاب بود و فکر کردم که قصه خوبی برای یک فیلم سینمایی می شود. یک مدت پژوهش را در شهر خودشان (مشهد) شروع کردیم و چند روزی به همراه نویسنده، متمرکز روی سوژه بودیم. واقعیت این است که مسیر زندگی پر فرازونشیب بود و اگر می خواستیم به همه آن بپردازیم، می توانستیم ۲ کتاب ۳۰۰ صفحه ای بنویسیم و یا یک سریال بلند بسازیم.

سوژه را چطور به یک فیلم بلند تبدیل کردید؟

در داستان زندگی این ۲ دوست، ابتدا اتفاقات بزرگ را انتخاب کردیم. بعد برای تبدیل شدن به یک فیلم سینمایی باید قصه را دراماتیزه می کردیم و با توجه به برخی یکنواختی ها در زندگی آنفر، کاراکترهای جدید نیز به قصه اضافه شد و برخی روابط زندگی را تغییر دادیم. سعی بر این بود که فیلم جذاب شود و در ۲ یا ۳ بخش اصلی زندگی کاراکترها باشد. در اصل می توان گفت که با توجه به تغییرات زیادی که دادیم، «جهان مبهم هاتف» یک اقتباس و براساس زندگی این ۲ نفر ساخته شده است.

این فیلم جزو فیلم های پرلکیشن به حساب می آید؟ از



فکر می کنم این فیلم شاخص های جذابیت را دارد و مخاطب با ۴ جوان پرشور با رویاهای بزرگ روبه روی می شود. شخصیت هایی که مایه آزادی بیرونی دارند. این فیلم صحنه های اکشن، جدی و سیر زندگی ۵ ساله رفقا را در بر می گیرد. «جهان مبهم هاتف» هم درام دارد و هم طنز و مجموعه آن می تواند مخاطب را جذب کند